

بررسی روش های ارزیابی و تحلیل کیفیت و زیبایی شناسی محیط و منظر شهری

مهدی واعظی^{۱*}

mahdivaezi2010@mailfa.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۰۴

چکیده

زیباشناسی به عنوان نظامی متمایز در زمینه علم و فلسفه غرب تا میانه قرن هجده میلادی جایگاه مشخصی نداشت. از قرن هجدهم مفهوم زیبایی شناسی بیش تر جنبه روان شناسانه به خود گرفت و زیبایی در ارتباط با ادراک مطرح شد و ناظر هم جزئی از عوامل موثر در زیبایی مطرح گردید. انسان دارای دو ساحت عاطفی و عقلانی و ادراک زیبایی یکی از فعالیت های روح است و این فعالیت رخ نمی دهد مگر در برابر محرکی از عالم خارج، که نهایتاً با سه بازخورد (لذت، شگفتی، ارزش) همراه می باشد. سیما و منظر شهری نیز باید نیازهای ساحت های مختلف حیات انسان را توأمان در بر گیرد. در مدل های ارزیابی تخصصی، ارزش گذاری بر اساس جنبه های بصری و زیبایی در ذات منظر (عینی) انجام می گیرد و در ارزیابی توسط ترجیحات مردم، ارزش گذاری بر مبنای احساس و ادراک افراد نسبت به منظر صورت می گیرد.

در این پژوهش با تدقیق در روش های ارزیابی مطرح شده در نظریه های موجود و بررسی رابطه واکنش های جسمی- روانی انسان و مناظر زیبا، سعی در معرفی ابعاد مختلف (روان شناسانه) ارزیابی کیفیت منظر داریم. واکنش های فیزیولوژیک- عاطفی که پس از درگیر شدن حواس انسانی در منظر، بازخوردهایی نظیر (کاهش استرس، تغییر ضربان قلب، تغییر حالت مردمک چشم، تغییرات روی پوست و عضلات صورت و ...) را در پی دارد، می توانند به عنوان معیارهایی برای سنجش سه واکنش پسازیبایی (لذت، شگفتی، ارزش) و پارامتر مؤثر در طراحی منظر مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: محیط، ارزیابی زیبایی، منظر، روان شناسی محیطی.

Reviews of assessment procedures and analysis of the quality and aesthetics of the environment and the urban landscape

Mahdi Vaezi:^{1*} (*Corresponding Author*)

Mahdivaezi2010@mailfa.com

Abstract

Aesthetics as a distinct system in West philosophy and science did not have a definite place until the mid-eighteenth century. Since the eighteenth-century the concept of aesthetic has been become more psychological and beauty has been considered in relation to perception and the observer has also become one of the effective factors of beauty. Human being has two emotional and rational aspects and perception of beauty is a soul activity and this activity does not take place unless by a stimulus from the outside world which ultimately results in three feedbacks (pleasure, surprise, value). Urban landscapes also should include needs of different aspects of human life simultaneously. In professional evaluation models, valuation is done based on the visual aspect of landscape and the beauty in nature (objective). And in the assessment by people's preferences, valuation is done based on people's perception of the landscape. In this study, by the research on evaluation procedures in the existing theories and by investigating the relationship between physical, psychological reactions of the human being and the beautiful perspectives, we have tried to introduce different (psychological) aspects of the perspective assessment. Physiologic and emotional reactions after engaging the human senses in the landscape will result in some feedback such as stress reduction, changes in heart rate, changes in the pupil of the eye, the skin and facial muscles changes and etc. These feedbacks can be used as benchmarks to measure the three reactions to post beauty (pleasure, surprise, value) and as the effective parameters in landscape design.

Keywords: Environment, Aesthetic evaluates, Landscape, Environment, Psychology.

مقدمه

های انسانی در برابر محیط. دوم با روش کیفی و رویکرد مقایسه‌ای اطلاعات مستند کتابخانه‌ای و پژوهش‌های قبلی و همچنین مصاحبه با صاحب نظرانی چون آقای جک ناسار به دسته‌بندی‌های ساده و مناسبی برای سهولت شناخت مدل‌ها و راهبردهای ارزیابی زیبایی و هویت محیط دست یافتیم.

مبانی نظری

زیبایی

واژه ی زیبایی شناختی یا علم الجمال آن طور که در زبان فارسی متداول است و معادل واژه "استتیک" به کار رفته، از نظام فلسفی خاصی سخن می گوید که کارش کاوش در معنای جمال و شناخت زیر و بم های این پدیده است (۳). زیبایی تنها معیار مطلوبیت و تنها فضای تعریف کننده خواستنی هاست. هرآن چه که مطلوب نامیده و یا فرض می شود و انسان طالب تحصیل آن می شود را می توان واجد مرتبه‌ای از زیبایی دانست. به طوری که زیبایی مطلوب و مورد نظر هر کس وابسته به جهان بینی و فرهنگ اوست. زیبایی از منظرها و با معیارهای متنوعی دسته بندی می شود. برای نمونه می توان از تقسیم زیبایی به زیبایی معنوی و زیبایی مادی، زیبایی معقول و زیبایی محسوس، زیبایی حقیقی و زیبایی کاذب، یا زیبایی طبیعی و زیبایی هنری، سخن گفت. وقتی از لذت بخش بودن به عنوان تعریف زیبایی سخن گفته می شود (نیوتن) باید به این موضوع توجه شود که لذت مادی و لذت معنوی و لذت روانی و ترکیب دوگانه و سه گانه این لذا، مصادیق و مراتب مختلفی را برای زیبایی طلب می کنند (۱).

زیبایی شناسی فلسفی

نظریه ها در فلسفه زیبایی بر دو نوع اند: ۱- ذهنی (درونی) و "سابجکتیو" ۲- عینی (بیرونی) و "آبجکتیو" فایلین نظریه ذهنی زیبایی معتقدند: زیبایی چیزی نیست که در عالم خارج وجود داشته باشد و بتوان آن را با شرایط و موازین معینی تعریف کرد، بلکه کیفیتی است که ذهن انسان در برابر بعضی

شهرها (متشکل از عناصر و اجزاء و فضاها و عملکردها و قوانین حاکم، به انضمام روابط جاری در شهر به علاوه همه موضوعات مرتبط با آنها مثل تاریخ و هویتشان) به عنوان بزرگ ترین مجموعه ها و آثار انسانی بر کره زمین که ظرف فعالیت‌های انسانی هستند، می توانند و باید جلوه‌های متنوعی از زیبایی را به انسان القاء کنند. اصولاً هر قدر و هر طور، شهر و محیط زندگی بتواند مراتب زیبایی را به ساکنین خویش هدیه کند به همان نسبت می تواند به آرامش و مشارکت و سعادت و تعادل شهروندان مدد رساند و مشکلات جاری زندگی را برای آنان قابل تحمل گرداند (۱). ما برای کسب اطلاعات از محیط اطرافمان نیاز به استفاده از دامنه ای از حواس (بویایی، بینایی، شنوایی، چشایی، لامسه) و احساساتی از قبیل دما، تعادل، و رطوبت به طور هم زمان داریم. ۸۷ درصد از ادراک انسانی از راه دیدن ایجاد می شود، و وجه دیگر مطالعه به سازوکار ادراک از راه حواس و مغز و ترجیحات آن برای منظر توجه دارد. از قرن هجدهم مفهوم زیبایی شناسی در غرب بیشتر جنبه روان شناسانه به خود گرفت و زیبایی در ارتباط با ادراک مطرح گردید و ناظر هم جزئی از این مجموعه به حساب آمد (۲).

بیان مساله و ضرورت تحقیق

از دلایل مهم نازیبایی شهرهای کنونی ما عدم شناخت عوامل زیبا کننده و ارزش های زیبایی شناسانه منظر و محیط شهری است. و نیز یکی از راهکارهای افزایش هویت شهرها، افزایش زیبایی و انتقال حس زیباشناختی از محیط به کاربران است و این جز با شناخت عوامل زیبایی، نحوه ادراک زیبایی در مشاهده گران و ارزیابی شدت زیبایی مولفه های مختلف محیط میسر نخواهد شد. در پی ارتقای زیبایی و هویت محیط حس تعلق و مشارکت شهروندان نیز ارتقا خواهد یافت.

روش تحقیق

در این پژوهش دو رویکرد شده است. اول بررسی کتابخانه‌ای نظریه‌های زیبا شناختی موجود، پژوهش‌های انجام شده در مدل‌های ارزیابی کیفیت محیط، و تحقیقات روانکاوانه و اکنش

اشاره می‌کند که به صورت های ذهنی انسان مربوط است. بالاترین مرتبه ی زیبایی را که فراتر از زیبایی هایی است که به وسیله حواس و قوه ی خیال انسان درک می شوند، زیبایی معقول می داند؛ و آن را "زیبایی عقلی" یا "حُسن عقلی" می نامد(۶).

زیبایی شناسی نظری

زیبایی شناسی نظری بر تحلیل درونی و باورهای شخصی از مفهوم زیبایی و خوشایند بودن محیط استوار است. این رویکرد در مطالعات زیبایی شناختی تحت عناوینی چون هرمنوتیک، پدیدارشناسی، وجودی، سیاسی که همه فلسفی هستند، انجام می شود و با رویکردهای علمی و روان کاوانه شباهت دارد. برای توجه به تجربه مردم در محیط و کمک به تحول نظریه طراحی محیط، لازم است که مدل های ماهیت تجربه زیبایی شناختی را بر مبنای نظریه های روان شناختی و تحلیل درونی محیط و انسان، تدوین کرد.

هرمنوتیک: تفسیر(معنای) محیط مانند یک متن. عمل رمزگشایی و دریافت معنای نمادها و آثار هنری.

پدیدار شناسی: بینش شهودی در مقابل شناخت متقابل فرد و محیط

وجودی: به خلاقیت ایجاد شده و محصول هنری توجه می کند سیاسی: هنر محصول و تجلی تقابل طبقاتی جامعه، و رویکرد روان کاوانه آن موجب پالایش روان است(۷).

زیبایی به دلیل وابسته بودن به فرهنگ و ایده آل های جامعه، یک امر مطلق و ثابت نیست و در طول زمان متغیر است. دریافت زیبایی معمولاً با سه حالت(لذت، شگفتی، ارزش) همراه است. کیفیت های دیگری نیز واجد زیبایی می باشند که در بطن سه حالت گفته شده مبسوط اند(۸).

بحث و استدلال:

۱- محورهای اصلی نظریه های زیباشناسی: در مباحث زیباشناختی سه تفکر مهم مطرح است که از آغاز عصر مدرن مورد توجه متفکران و طراحان عرصه های معماری و شهرسازی و محیط زیست بوده است. این تفکرات را می توان در سه محور مهم خردگرایی، سلیقه ای و تجربه گرایی مورد بررسی قرار داد:

محسوسات از خود ایجاد می کند. به قول کروچه زیبایی یک فعالیت روحی صاحب حس است نه صفت شیئی محسوس. در مقابل صاحبان نظریه عینی زیبایی معتقدند که زیبایی یکی از صفات عینی اشیاء است و ذهن انسان به کمک قواعد و اصول معینی آن را درک می کند همان طور که معلومات دیگر را هم بر حسب قوانین مربوط به آن ها درک می کند(۴). کانت بر این عقیده بود که تنها سلیقه است که زیبا را از نازیبا مشخص می کند. زیبا اصولاً آن چیزی است که محسوسات ما را در جمع به صورتی هماهنگ درآورد. بر این اساس می بایستی درک زیبایی یک فرم بدون کار فکری (و آموزش مفاهیم) انجام شود. هگل بر اساس نظرات افلاطون و کانت قایل به دو نوع زیبایی بود: ۱- زیبایی طبیعی ۲- زیبایی هنری. او زیبایی هنری را برتر و دلیل آن را دوباره زاینده شدن زیبایی هنری (از روح) میدانند. وی قایل به موروثی و غریزی بودن ادراک زیبایی هنری نیست بلکه آن را آموختنی می داند و این نوع زیبایی را سلیقه می نامد(۵). از نظر علامه جعفری زیبایی پرده ای نگارین و شفاف است که بر روی کمال کشیده شده و کمال عبارت است از قرار گرفتن موضوع در مجرای بایستگی ها و شایستگی ها (۶). زیبایی شناسی در میان حکمای مسلمان به علم الجمال و یا علم الاستحان (از ریشه حسن) معروف بوده و به عنوان بخشی از فلسفه مورد مطالعه قرار می گرفته است. استفاده از برخی تعابیر مانند "ایجاد هیجان، واکنش ناشی از تماس با شیء" و امثال این ها سبب می شود که موضوع زیبایی در قلمرو علم روانشناسی نیز مورد بررسی قرار گیرد(۱).

تجربه زیبایی شناسی

تجربه زیبایی شناسی هرگاه به منزله پژوهشی درباره برخی از تجربه های مشخص یا حالات روحی معین تلقی شود، باز هم مستلزم داشتن تصویری در این مورد است که یک حالت روحی یا فعالیتی ذهنی در چه زمانی حالت یا فعالیت زیبایی شناختی است. از نظر استاد مطهری، "زیبایی" دارای درجات و مراتبی (هم چون: محسوس، خیالی و معقول) است. ایشان، در معرفی زیبایی، بدواً به زیبایی محسوس که برای همه ی مردم قابل دریافت و ادراک است، اشاره می کند، پس از آن به زیبایی هایی

دیده شد. فلسفه تئوری مدرن منظر شهری کاملاً به نظریه گوردون کالن وابسته است. گوردون کالن معتقد است که منظر شهری نمی تواند تنها به شیوه ای تکنیکی درک شود، بلکه نیازمند وجود حساسیتی زیبایی شناختی است. گرچه عمدتاً توجه به منظر شهری پدیده ای بصری است اما در عین حال خطرات را برمی انگیزاند، تجارب را یادآوری می کند و واکنش هایی احساسی را به وجود می آورد (۱۰). محیط همه چیز را در برمی گیرد و منظر بخشی از محیط است که می توان در یک زمان خاص به آن توجه کرد و با بسترش در محیط ارتباط دارد. منظر آن قسمت از محیط است که ما در آن ساکن هستیم و به واسطه حواسمان آن را درک می کنیم. نمی توانیم از آن بگریزیم و یا به عنوان یک موضوع اختیاری اضافی یا فضایی برای گذراندن اوقات فراغت به آن نگاه کنیم. منظر تاثیر زیادی بر کیفیت زندگی ما دارد و نباید آن را به اقتصاد یا تصمیمات صرفاً حرفه ای واگذار کرد، زیرا بین الگو و فرآیندهای سازنده زمین، ادراک ما از آن ها و پیوند دایمی با زیبایی ارتباط مستقیمی وجود دارد که جنبه های فیزیکی زمین را به جنبه های ادراکی منظر تبدیل می کند (۱۱). می توان روند تکاملی مفهوم منظر شهری را در تناظر با الگوهای گوناگون طراحی شهری در قالب چهار الگو صورت بندی نمود:

الف- الگوی "هنرگرا" (متناظر الگوهای طراحی شهری آرایشی)،

ب- الگوی "منطقی و عقل گرا" (متناظر الگوی طراحی شهری عملکردگرا)

ج- الگوی "زمینه گرا" (متناظر الگوی طراحی شهری ادراکی)

د- الگوی "جامع و زیست گرا" (متناظر الگوی طراحی شهری پایدار) (۱۲).

۳- ساختار بصری منظر: از نظر سایمون بل برای یافتن اندازه لذت زیبایی شناختی در نمونه های هماهنگ (منظم) باید در پی یافتن الگوهای معنادار در محیط اطراف خود باشیم. برخی الگوها ممکن است فقط نتیجه فرآیندهای بومی در ارتباط با شکل زمین و اقلیم و... باشند و بعضی دیگر نتیجه فعالیت های

الف- زیبایی شناسی عینی و ایجاد در کالبد محیط (خردگرایی): کیفیتی و صفتی که ذاتاً در کالبد محیط و به صورت مستقل از ناظر وجود دارد. طرف داران این نظریه خردگرایان و نو شهرسازان هستند که بعضی از فرم های کالبدی را حایز کیفیاتی مستقل از زمان دانسته و اعتقاد دارند تداوم آن ها در تاریخ به علت عملکردهای مختلف موجود در کالبد محیط است. آلدو روسی (زیبایی اجباری محیط)، کریستوفر الکساندر (سرشت نظم: کیفیت بی نام) و ... از حامیان این تفکرند.

ب- زیبایی شناسی ذهنی و سلیقه ای: این تفکر زیبایی را کیفیتی ذهنی تلقی می کنند که توسط ناظر به محیط نسبت داده می شود و ربطی به کالبد محیط ندارد. زیبایی وابسته به سلیقه ناظر است. قایلین این نظریه، نظریه پردازان دهه ۶۰ میلادی هستند که از منظر شهرسازی و برنامه ریزی شهری مسایل را بررسی می کردند.

ج- زیبایی به عنوان یک پدیده عینی-ذهنی و ادراکی (تجربه گرایی): زیبایی، پدیده یا رویدادی است که از تلاقی و توافق داده های حسی کالبدی و محیطی از یک سو و مفاهیم فرهنگی و توانایی های ذهنی و آگاهی ناظر از سوی دیگر شکل می گیرد. کوین لینچ (تصویر ذهنی شهر)، دونالد اپلینارد (واکنش به سه حالت انسانی: عاطفی، عملکردی، تفسیری)، (جان لنگ، اجابت نیازهای انسانی)، وایت و جیکوبز (عملکردی)، کالن (رابطه عاطفی انسان-محیط)، جک ناسار (حسی-تفسیری)، اپلتون (شرایط بقاء)، استفان کاپلان (نظریه تکاملی، آگاهی-جهت یابی-کشف)، نول (حسی، ذهنی، عملکردی)، برونسکی و رلف (هویت مکان)، بویر (معنا و تداعی) و ... نظریه پردازانی قائل به این تفکر هستند (۹).

۲- الگوهای ادراک و طراحی محیط و منظر شهری: منظر شهری برای بار اول توسط توماس شارپ در ۱۹۴۸ در مطالعات آکسفورد او مطرح شد. اما برخورد بصری با منظر شهری در کار جان ناش در ابتدای قرن ۱۹ در کار زیتنه در انتهای قرن ۱۹

بسیاری از بناها پیدا کند. شاید به دلیل نیاز افراد به درک بصری بنا به اندازه درک عملکردی آن است. و یا آن را زشت می‌پندارند اما نمی‌دانند چرا. بنابراین می‌توان گفت که سایمون بل زیبایی را در بُعد بصری و کالبدی جستجو می‌کند تا ابعاد دیگر پدیداری منظر. و معتقد است طراحی همان تعادل بین عملکرد، هزینه و زیبایی شناختی (فرم) است (۲).

انسان در واکنش با فرآیندهای طبیعی هستند. آنچه مسلم است، فرآیندهای درگیر در منظر، فشار و تنش برای تغییر (پویایی) می‌توانند با واکنش‌های ما و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی ما در ارتباط باشند. تحولات مدرن در معماری، با تمام صداقتی که در خلق شکل از درون عملکرد داشته (فرم تابع عملکرد) نتوانسته حمایت زیادی در میان استفاده‌کنندگان



شکل ۱- عناصر بصری منظر

۱- بزرگی (تعدد عناصر متنوع و متباین) ۲- شدت (قدرت و تاثیر عناصر) هنگامی که بزرگی و شدت باهم وجود داشته باشند، شکلی از نظم و وحدت را می‌توان مشاهده کرد. حس قوی اسرارآمیز، منظر را قادر می‌سازد تا از آن چیزی که هست بزرگ تر جلوه کند (شدت) (۱۱) مطابق نمودار ۱.

از نظر آلفرد نورث وایتهد، ارگانیزم‌هایی مانند انسان بر اساس مجموعه‌ای از خصوصیات و ترکیب تمام ادراکات یا تعاملاتشان با محیط و دیگر ارگانیزم‌ها، زندگی می‌کنند. ادراکات مثبت منتج به احساس زیبایی و ادراکات منفی منتج به احساس زشتی دارای حد بالا و پایین است. از نظر او دو مشخصه‌ای که احساسات زیبایی و زشتی را تشدید می‌کنند عبارتند از:



نمودار ۱- نقش بزرگی و شدت عناصر بصری در ادراک زیبایی

۳- تحلیل و بررسی منظر: بررسی کیفیت عینی و بصری منظر از لحاظ ترجیحات فردی یا گروهی برای انواع مناظر متفاوت (۱۴). ابعاد مختلفی برای ارزیابی کیفیت منظر قابل طرح است که از آن جمله می توان به (ارزیابی کیفیت زیست محیطی، زیبایی شناسی کالبدی، ارزیابی روان-فیزیکی، ارزیابی روان شناختی، ارزیابی پدیدارشناسانه) اشاره کرد. در همه ابعاد بررسی کیفیت منظر می توان از سه روش ارزیابی (توصیفی، ترجیحات عمومی کاربران، تکنیک های جامع کمی) استفاده نمود: (۱۴)

۱- مدل توصیفی: در این روش عناصر فیزیکی-کالبدی محیطی و زیبایی شناختی منظر توصیف می شوند. عمدتاً توسط کارشناسان و متخصصان (مسایل زیبایی شناسی و هنری) استفاده می شود و یک رویکرد عینی با روش های کمی و کیفی ارزیابی به شمار می رود.

۲- مدل ترجیحات عمومی: که شامل رویکردهای روان شناختی (ادراک ذهنی و واکنش های روانی) و پدیدار شناسانه که اغلب به طور اجتناب ناپذیری با اجماع نظر عمومی کاربران منظر مرتبط است. ابزارهای مورد استفاده در این روش انجام مصاحبه، تنظیم پرسش نامه و بعضاً مشاهده و ترسیم کروکی و انتخاب عکس ها می باشد. این یک رویکرد ذهنی، با روش های کمی و کیفی ارزیابی به شمار می رود.

۳- مدل تکنیک های جامع کمی: یک روش ذهنی- عینی شامل رویکردهای روان- فیزیکی و مولفه های جایگزین است. روایی داخلی و خارجی از دغدغه های اصلی توسعه هر سیستم تحلیل و ارزیابی بصری می باشد. روایی خارجی چگونگی تطبیق روش ارزیابی نظام مند موجود با دیگر سنجه های کیفیت بصری را منعکس می کند و روایی داخلی نیز نشان می دهد که چطور منطق درونی سیستم در آزمون مقاوم و یا مغایر با مفروضات است.

مولفه های توصیفی شامل بزرگ ترین دسته از فنون ارزیابی منابع منظر هستند که دربرگیرنده هر دو روش کمی و کیفی ارزیابی کیفیت مناظر از طریق تحلیل، بررسی و توصیف اجزای

نظم و انسجام عناصر تشکیل دهنده کالبد محیط اهمیت زیادی در بررسی کیفیت منظر دارند. تکنیک های کمی که به منظور ارزیابی منظر در این روش استفاده می شوند شامل چک لیست، ماتریس و تحلیل تصویری است، که در این میان با توجه به این که در روش ماتریس، تحلیل ها بهتر و دقیق تر صورت می گیرد، از این روش بیشتر استفاده می شود. در روش ماتریس معیارهایی نظیر تنوع، وحدت، تضاد و هماهنگی مورد ارزیابی قرار می گیرند. در بعد دیگر ماتریس عناصر بصری موجود در منظر قرار گرفته و اعدادی را به نسبت ارزیابی متخصصان (ضعیف، متوسط، خوب) در تلافی ماتریس قرار می دهیم (۱۵). جرج دیوید بیرهوف ریاضی دان آمریکایی در ۱۹۳۳ روشی برای محاسبات زیبایی تدوین کرد. این اندازه را نمی توان به طور قطع اندازه زیبایی دانست اما این اندازه مهم ترین جزء قابل اندازه گیری در احساس زیبایی است. در این روش میزان تقارن و نظم موجود در اثر را در صورت کسر و میزان پیچیدگی را به شکل عدد در مخرج کسر قرار می دهیم. نتیجه حاصل کسر میزان احساس زیبایی و مطلوبیت اثر خواهد بود (۷).

یافته های تحقیق

تکنیک های متعددی در سال های گذشته از ارزیابی کیفیت منظر ارائه شده است که شامل طیف متفاوتی است که از یک سو تکنیک های مبتنی بر دقت و صراحت در ارزیابی ذهنی فردی یا گروهی کیفیت منظر و از سوی دیگر تکنیک های استفاده از ویژگی های فیزیکی منظر مانند عناصر عملیاتی برای ادراکات شخصی می باشند. در اواخر دهه ۶۰ تا اواسط دهه ۷۰ میلادی تاکید زیادی بر ارزیابی منظر در تولیدات بصری (عینی) و روش های کمی نسبت دادن ارزش عددی برای واکنش های زیبایی شناختی و کیفیت منظر صورت گرفت. آنوین سه مرحله ارزیابی منظر را چنین بیان می کند:

۱- اندازه گیری منظر: آن چه در منظر به صورت عینی و فیزیکی وجود دارد.

۲- ارزیابی منظر: ارزیابی و بررسی ترجیحات عمومی در منظر بصری

بر فاکتورهایی هستند که در کیفیت منظر، توصیفات متنوعی دارند (۱۳).

استفاده از پرسش نامه و بررسی شفاهی، رایج ترین روش های غیر کمی نمونه گیری ترجیحات عمومی از گروه های مختلف است. سرعت اطلاعات بالا ولی دقت آنها بعضا مورد تردید است. معیارهایی نظیر پیچیدگی، رمزآلودی، انسجام (پیوستگی)، بافت، قابل تشخیص بودن (خوانایی) و وسعت در ترجیحات عمومی تاثیر زیادی دارند و باید در برداشت ها به آنها توجه نمود. به جای پرسش نامه می توان از محرک های بصری (انتخاب یک عکس) و یا محرک های صوتی برای ارزیابی استفاده نمود. اگرچه ادراک متفاوت است، اما تنوع در مقایسه با توصیفات شفاهی کمتر می باشد.

به هنگام توصیف ارزشهای منظر، مسأله مهم، شناسایی مردم و گروه های اجتماعی است که از پیشنهادها تاثیر می پذیرند. زیرا منظر به دلایل متعددی برای مردم دارای ارزش و اهمیت است. رسیدگی به این موضوع در قالب موارد ذیل خواهد بود:

۱- مردمی که در پهنه های مختلف زندگی می کنند، دارای ادراک متفاوتی از منظر نسبت به کسانی که به طور تصادفی از بازدید می کنند هستند. (به دلیل ارتباط متداوم آنها با منظر و تغییرات متوالی در درون آن)

۲- جاذبه های ویژه (ارزشهای اکولوژیکی، فرهنگی، تاریخی و ...) به مثابه آگاهی از این مشکلات می تواند اغلب نحوه ادراک مردم و احساس از منظر تحت تاثیر قرار دهد.

۳- مناظر به وسیله گستره وسیع تری از محلی ارزیابی می شوند. زیرا آنها تصور قدرت مندی در اذهان دارند و یا در سطوح ملی و بین المللی خوب شناخته شده و ارزش گذاری شده اند (۱۶).

شخصیت ناظر و موقعیت او (مانند طول مدت مشاهده، شرایط اجتماعی و اقتصادی ناظر، نوع ویژگیهای فیزیکی منظر، پویایی و پیچیدگی های مولفه های منظر) مشاهده او را تحت تاثیر قرار می دهد. دو نگرانی هال و استوارت در خصوص روایی عکسها مبتنی بر ارزیابی های ناشی از تفاوت های بین محل و زمینه موجود در عکس، و اینکه فرد ارزیاب (به جای میانگین گروه)

آنها می باشند. مدل زیبایی شناسی فرمی از این روش ارزیابی تبعیت می کند. در این نوع روشهای غیر طبقه بندی شده (مانند مدل های زیست محیطی) تلاش برای شناسایی روابط بین عناصر تشکیل دهنده منظر و کیفیت محیط است و با استفاده از این روابط برای پیش بینی کیفیت (ارزش) زیبایی منظره استفاده می شود. مدل ارزیابی توصیفی بر اساس توابع ترکیبی (مانند جمع، ضرب و تفریق) بر ارزش و مقایسه و مجموعه مولفه های سازنده منظر که شناسایی شده اند و توسط یک متخصص یا گروه متخصصان ارزیابی را حاصل می کند. عناصر توصیفی شامل مولفه های مصنوع و طبیعی هستند. این روش ارزیابی دارای چند فرضیه مشخص است:

- اول: این که ارزش کیفی یک منظره از ارزش اجزای آن توصیف می شود.

- ثانیاً: زیبایی منظره در عناصر منظر تعبیه شده است که همان خصوصیات ذاتی کالبد محیط است.

- ثالثاً: به هر حال زیبایی منظر بستگی به شرایط ناظر مشاهده گر منظره نیز دارد (۱۳) انتقاداتی به این روش وارد است به این دلیل که روش توصیف عناصر، یک روش استبدادی است که به طور ذهنی توسط کارشناسان و طراحان به ثمر می رسد و از سوی دیگر عدم تحقیق تجربی برای توجیه الزام مطالعه روی اجزا (به عنوان عامل تعیین کننده کیفیت محیط) به عنوان یک انتقاد مطرح است (که البته با روش های روان شناختی قابل توجیه است).

ترجیحات عمومی: با خیزش ناگهانی و سریع اخیر در راستای حفظ منافع مردم با رویکرد حفظ و ارتقای زیبایی مناظر عمومی، ارزیابی منظر به خواسته های عمومی مردم مبسوط شد. اگرچه طراحان ممکن است ادعا کنند که ارتقا و هدایت سلیقه عمومی در این مسأله وظیفه آنهاست. جذابیت بصری منظر نهایتاً محصولی متأثر از مجموع نظرات افراد ناظر مرتبط با منظر خاص خواهد بود. کیفیت بصری (یا ارزش بصری) یک منظر براساس ترجیحات فردی مشاهده گران از کل منظر، رتبه بندی می شود. ماهیت رویکرد ترجیحات عمومی، ارزیابی از کلیت منظر است بر خلاف تکنیک های اندازه گیری که متکی

می کنند. و به همین دلیل یک اعتبار ذاتی در ارزیابی وجود دارد. بدون روابط روشن، ویژگی های زیست محیطی عیناً تعیین می شوند، مدل های روان شناختی در ارزیابی منظر در یک چرخه متسلسل ترک می شوند و واکنش های روان شناختی در منظر فقط در شرایط واکنش های روانی دیگر، تشریح می شود (۱۳). انسانها یک واکنش سریع عاطفی به مکان ها دارند. زیبایی شناسی یکی از مهمترین جنبه های تجربه مردم از محیط اطرافشان است و یک کیفیت مهم وابسته به فعالیت فیزیکی است (۱۸).

ابعاد مختلف ارزیابی منظر

ارزیابی پدیدارشناسانه (و هرمنوتیکی): رویکرد پدیدار شناسانه بیشتر روی احساسات ذهنی افراد، انتظارات و تفاسیر تاکید دارد. ادراک منظر مفهوم یک رویارویی تنگاتنگ بین فرد و محیط را دارد. روش اصلی ارزیابی مصاحبه شخصی و پرسشنامه شفاهی است. در ارزیابی پدیدار شناسانه کیفیت منظر برای رده بندی زیبایی منظر توصیه نمی شود. به دلیل تاکید زیاد بر ویژگی های شخصی خاص، عوامل تجربی و عاطفی، خصوصیات بصری منظر، به طور شکننده ای با تجربه منظر مرتبط خواهند بود. این مدل تعین ذهنی شدیدی از ارتباط و همبستگی ویژگی های منظر ارائه می کند. این روش در ایجاد رابطه سیستماتیک بین واکنش های روانی و ویژگی های منظر ناتوان است. با این حال با تاکید بر نقش منحصر به فرد تجارب شخصی، تمایلات و انتظارات، مدل پدیدار شناختی در خدمت پررنگ کردن اهمیت زمینه های انسانی است که مناظر با آن مواجه هستند.

ارزیابی اکولوژیک: طبق پژوهش ها، زمانی که پوشش گیاهی و درختان وجود دارند، علاقه مردم به منظر شهری افزایش می یابد و در این حالت تاثیرات مثبت بر حالات عاطفی و فیزیولوژیک نیز افزایش می یابد. (لذت و ارزش) بزرگترین مزیت وجود اکولوژی منظر، شاید کاهش استرس و اضطراب در این محیط هاست. و به طور مستقیم با سلامت انسان مرتبط است در عین حال که دارای مزایای اقتصادی و بصری هم

واحد مناسب تری است برای تحلیل آزمون های ارزیابی ارزیابی مبتنی بر عکس می باشد. این تکنیک مشکلات دیگری هم دارد، مبنای روان شناختی آن در بهترین حالت نامشخص است. اعتبار نتایج کمی یا نیمه کمی آن همواره سوال برانگیز است. و به نمایندگی از دیدگاه جامعه، نیاز به بررسی های گسترده و زمان گیر دارد (۱۳).

ارزیابی روان شناختی: رویکرد مورد استفاده در بسیاری از مطالعاتی که تحلیل چند بعدی از ترجیحات مردم برای مناظر مختلف انجام می دهد، رویکرد روان شناختی است. مطالعات روان شناسی نشان می دهد که ساختارهای روان شناسانه (مانند پیچیدگی، رازآلودگی، خوانایی و انسجام) عوامل پیش بینی کننده مهم تری نسبت به ترجیحات انسانی هستند. رویکرد روان شناختی به احساس و ادراک افراد ساکن، مراجعه کننده و یا ناظر منظر اشاره دارد. منظر با کیفیت بالا احساساتی مثبت از قبیل امنیت، آرامش، گرما، شادی یا مسرت را تداعی می کنند و بالعکس، منظر با کیفیت پایین با استرس، ترس، ناامنی، محدودیت، اندوه یا دیگر احساسات منفی را همراه دارد (۱۶). روشهای ارزیابی مورد استفاده در این رویکرد عبارتند از:

- تصویربرداری از واکنش های احساسی مشاهده گران: (حالت مردمک چشم مردم، حالات صورت، سرعت راه رفتن، بهت زدگی مشاهده گران، واکنش های روی پوست ناظرین، بروز احساسات از قبیل لذت، شادی و گریه و ...)

- مصاحبه با مشاهده گران

- توصیف ترسیمی با تصاویر و واژه های بصری

- توصیف نوشتاری

به دلیل اینکه در مدل های روان شناختی از ناظران متعدد و بازدهی ارزش یک یا چند مقیاس کمی برای هر ارزیابی استفاده می شود، قابلیت اعتماد و میزان حساسیت آنها به دقت تعیین می شود. این یک مزیت مهم است که کاربران می توانند از این ارزیابی ها که درجه دقت کار برای اثبات اعتماد در ارزش های ایجاد شده در منظر است، را بدانند. روش های ارزیابی مبتنی بر واکنش و قضاوت مردمی است که منظر را "تجربه و استفاده"

ناظران انسانی است. روابط مورد نظر بین خصوصیات فیزیکی محیط (مانند، توپوگرافی، پوشش گیاهی، آب، و ...) و واکنش های روان شناختی (مانند قضاوت های معمولی ترجیحات، ارزش زیبایی شناختی یا زیبایی منظره) هستند.

ویژگیهای منظر مانند پوشش زمین، کاربری زمین، جنگل استوار و نظم و آرایش عناصر، اندازه گیری می شوند و سپس از نظر آماری با قضاوت در مورد کیفیت منظر مرتبط می شوند. اخیراً از تکنیک های رایج مورد استفاده برای تعیین این روابط، ضریب خطی رگرسیون می باشد. مدل فوق یک مدل وقت گیر و پرهزینه است و به منظور توسعه های محدود به یک نوع منظر خاص و ناظران مشخص منظر و در کوتاه مدت چندان کارآمد نیست. ارزیابی روان فیزیکی در بسیاری از زمینه های مدیریت، مفید است. ویژگی هایی نظیر دقت کمی، عینیت بر مبنای ادراک و ارزیابی عمومی مهم هستند. ارزیابی ها مبتنی بر نظر یک کارشناسی نیستند، اما یک اجماع سنجیده در میان نماینده ناظران عمومی چشم اندازهای مناظر منعکس کرده و بر اقدامات مدیریت محیط زیست موثر است (۱۳).

نتیجه گیری

روش ارزیابی متخصصان در آثار هنری (هنرهای زیبا) که ناظر از بیرون اثر آن را ارزیابی می کند وابسته به ناظر نیست و وجود ناظر در زیبایی اثر تاثیری ندارد لیکن در منظر و محیط شهری که انسان جزئی از منظر محسوب می شود، ناظر با تمام شرایط خود در ادراک و حس زیبایی دخیل است. در زیبایی شناسی عینی (زیبایی پیشینی) از حیث وجود یا عدم زیبایی در ذات یک پدیده می توان آن را مطلق قلمداد نمود ولی در زیبایی شناسی ذهنی (پسینی) از حیث تاثیر سلیقه و آگاهی ناظر در دریافت زیبایی، ماهیتی نسبی و متغیر است. اما به هر حال با توجه به بعد نمادین و علل فاعلی پدیده های زیبا، زیبایی نسبیت دارد. کیفیت هایی نظیر طبیعی بودن، بکر بودن، بار فرهنگی و تاریخی، وحدت، خوانایی، رازآمیزی و درگیری همه حواس و شرایط ناظر از عوامل اصلی موثر در ارزیابی زیبایی و کیفیت محیط هستند. ارزیابی کیفیت منظر می تواند از ابعاد زیست محیطی، انسانی، کالبدی با سه مدل توصیفی،

هست (۱۹). توجه عامه به وضعیت محیط زندگی که دامنه ی زیبایی شناسی محیط زیست را وسعت بخشید، صرفاً برای حفظ مناظر طبیعی نبود، بلکه درباره ی زیبایی شناسی محیط روزمره ی زندگی انسان ها نیز بود و به این ترتیب، مسأله فلسفی اصلی زیبایی شناسی محیط زیست، با تضاد چشم گیری که آشکارا بین دو رویکرد "تأکید بر توجه عام بر محیط روزمره" و "توجه خاص زیبایی شناسی فلسفی به آثار هنری" وجود داشت، شکل گرفت (۲۰). دو معیار اساسی تعیین کننده، میزان اهمیت مقیاس و یا بزرگی اثر و همچنین میزان حساسیت زیست محیطی مکان یا گیرنده ها هستند. معمولاً درجه بالاتر اهمیت مربوط است به آثار بزرگ مقیاس و آثار دریافت کنندگان حساس (۱۶).

ارزیابی کمی کل نگر (جامع): این روش از ترکیب دو رویکرد مجزا ایجاد می شود: بررسی ترجیحات عمومی و خصوصیات مولفه های منظر. اندازه گیری کیفیت منظر باید به طور سیستماتیک با شرایط فیزیکی، بیولوژیکی و اجتماعی محیط مرتبط باشد به نحوی که بتوان پیش بینی های دقیقی از پیامدهای تغییرات محیطی حاصل نمود. هماهنگی بین تکنیک های ارزیابی اثرات عناصر منظر در ترجیحات عمومی توسط جمع بندی ارزیابی ابعاد فردی (روش های توصیفی) و تکنیک هایی که بر تعامل عناصر منظر تأکید دارند توسط ارزیابی کیفیت در تصویر کلی منظر (مدل ترجیحات) راهبرد این مدل ارزیابی می باشد. این سازگاری یک مدل جامع و کمی به عنوان پدیدار شناختی و مولفه های جایگزین ایجاد می کند. از ویژگی های برجسته این روش، استفاده از یک تکنیک شناخته شده آماری برای ایجاد یک رابطه ریاضی بین عناصر منظر و ترجیحات ناظران است. وزن عناصر منظر از رتبه بندی ترجیحات جمع آوری شده از عموم مردم بدست می آید. وزن ها، با مجموعه ای از عناصر منظر ضرب می شوند و یک نمره کلی از کیفیت عمومی منظر برای مناظر مشابه تولید می شود (۱۳)

ارزیابی روان فیزیکی: این رویکرد به دنبال تعیین رابطه ریاضی بین ویژگی های فیزیکی منظر و ویژگی های ادراکی ارزیابی

- ۵- گروتو، یورگ. زیبایی شناسی در معماری. پاکزاد، جهانشاه. و همایون، عبدالرضا. چاپ ششم. تهران: دانشگاه شهید بهشتی؛ ۱۳۹۰، ص ۹۴-۱۰۳.
- ۶- نقی زاده، محمد. "زیبایی" "احساس حضور" در شهری "با منظر متذکر"، ماهنامه دانش نما. ۱۳۸۹؛ شماره ۱۸۱-۱۸۲.
- ۷- لنگ، جان. آفرینش نظریه های معماری، عینی فر، علیرضا. چاپ پنجم. تهران: دانشگاه تهران؛ ۱۳۹۰. ص ۲۰۵-۲۳۰.
- ۸- پاکزاد، جهانشاه، مبانی نظری و فرایند معماری، چاپ سوم. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی؛ ۱۳۸۸ ص ۳۷-۳۸.
- ۹- امین زاده، بهناز. ارزیابی زیبایی و هویت مکان، ماهنامه هویت شهر. ۱۳۸۹، شماره ۷.
- ۱۰- کارمونا، متیو و همکاران. مکان های عمومی- فضاهای شهری. قرایی، فریبا. چاپ سوم. تهران: دانشگاه هنر؛ ۱۳۸۸. ص ۲۹۸-۲۹۹.
- ۱۱- بل، سایمون. منظر، ادراک، الگو، فرآیند. امین زاده، بهناز. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران؛ ۱۳۸۶. ص ۹۱.
- ۱۲- گلکار، کوروش. محیط بصری شهر، از رویکرد تزئینی تا رویکردی پایدار. فصلنامه علوم محیطی. ۱۳۸۷، شماره ۴.
- 13- 13-www.hutton.ac.uk.Review of Existing Methods of Landscape Assessment and Evaluation. hutton institute,2011.
- 14- Unwin, K.I. 1975 The relationship of observer and landscape in landscape evaluation. In Transactions of the Institue of British Geographers, no.66, 130-133.
- 15- Kronert, R., Steinhardt, U., Volk, M., 2001. Landscape Balance and

ترجیحات- واکنش های عمومی و کمی جامع صورت گیرد. این ارزیابی ها با روش هایی چون مصاحبه، پرسش نامه، کروکی، انتخاب عکس، واکنش های جسمی-روانی و رفتاری انجام می شود. خروجی ارزیابی ها هم کمی و یا کیفی خواهد بود. در هر صورت شرایط ادراکی و انسانی و اجتماعی ناظر هم مانند شرایط محیطی در ارزیابی ها تاثیر فراوانی دارد. ما در پس ارزیابی زیبا شناسانه، ارزیابی احساسی نیز می کنیم. وقتی می گوئیم زشت، نفرت انگیز، اضطراب آور، آرام، سرزنده، شادی آور و... ارزیابی احساسی است. این احساس در کیفیت محیط وجود دارد. مجموعه احساساتی که در ما برانگیخته می شود، طیفی از انگیزش، انرژی، تحرک، توانایی و خوشایندی را به همراه دارد. هیجان، آسودگی، افسردگی و استرس احساساتی است که می تواند در افراد به میزان خوشایندی آنان نسبت به محیط تغییر کند. از سوی دیگر واکنشهای فیزیولوژیک-عاطفی که پس از درگیر شدن حواس انسانی در منظر، بازخوردهایی نظیر (کاهش استرس، تغییر ضربان قلب، تغییر حالت مردمک چشم، تغییرات روی پوست و عضلات صورت و ...) را در پی دارد، می توانند به عنوان معیارهایی برای سنجش سه حالت پسازیبایی (لذت، شگفتی، ارزش) مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- ۱- نقی زاده، محمد. ادراک زیبایی و هویت شهر. چاپ اول. اصفهان: معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان؛ ۱۳۸۶. ص ۲۳۲-۲۴۲ و ۲۵۶-۲۵۹.
- ۲- مثنوی، محمدرضا. عناصر طراحی بصری در منظر. بل، سایمون. چاپ اول. تهران: دانشگاه تهران؛ ۱۳۸۷، ص ۱۷.
- ۳- مهرجوی، داریوش. بعد زیبا شناختی. مارکوزه، هربرت. چاپ پنجم. تهران: نشر هرمس؛ ۱۳۸۹، ص ۵۵-۷۸.
- ۴- بندتو، کروچه. کلیات زیبایی شناسی. روحانی، فواد. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی؛ ۱۳۷۲، ص ۶-۱۱.

- American Journal of Preventive Medicine, Volume 34, Number 4, 2008.
- 19- Roger s. olrich, Human responses to vegetation and landscapes, Department of Geography, University of Delaware, Newark, DE 19716 U.S.A, 1985.
- 20- Allen Carlson. "Environmental Aesthetics", In Routledge Encyclopedia of Philosophy Online. Available at: <http://www.rep.routledge.com/article/M047SECT3>.
- Landscape Assess- ment. Springer-Verlag.
- ۱۶- طبیبیان، منوچهر. دستورالعمل های ارزیابی منظر و آثار بصری، چاپ اول. تهران: دانشگاه تهران؛ ۱۳۸۵. ص ۷۱.
- 17- Daniel, T.C. and Vining, J. 1983 Methodological Issues in the Assessment of Landscape Quality. In Behaviour and the Natural Environment (eds. Altman, I. and Wohwill, J.), Chapter 2, 39-83, Plenum.
- 18- Jack L. Nasar, Assessing Perceptions of Environments for Active Living,